



Behavioral Necessities of the Principle of Dignity in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran

Qasem Shaban Nia¹

Received: 02/12/2020

Accepted: 22/01/2021

Abstract

The foreign policy of the Islamic Republic of Iran, in addition to wisdom and expediency, is based on the principle of dignity. The realization of this principle derived from Islamic jurisprudence requires fundamental changes at the structural and behavioral levels. The current paper focuses on the behavioral part of the necessities of the principle of dignity that has behavioral aspect and considers international relations in the face of the actions of the actors. The findings obtained by using the method of inference from primary Islamic sources as well as the use of evidence such as the provisions of the constitution and the statements of the intellectual-political leaders of the Islamic Revolution, show that the dignity of the Islamic Republic depends on the fact that in the field of behavior in the face of the actors of international relations, the system of the Islamic Republic, on the one hand, in the arena of relations between Islamic countries, turned to policies that lead to consolidation and increase their power against external threats, but on the other hand, in the face of actors in international relations who fall into the class of infidelity, adopts policies that ultimately lead to independence and the denial of any unilateral dependence on them.

Keywords

The principle of dignity, the system of the Islamic Republic, foreign policy, necessities, behavioral.

1. Associate Professor, Department of Political Science, Imam Khomeini Educational & Research Institute, Qom, Iran. shaban1351@yahoo.com.

* Shaban nia, Q. (2020). Behavioral Necessities of the Principle of Dignity in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran. *Journal of Jurisprudence and Politics*, 1(2) pp. 90-115.

Doi: 10.22081/ijp.2021.61323.1017.

استلزامات رفتاری اصل عزت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

قاسم شبان‌نیاء^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۲

چکیده

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر حکمت و مصلحت، بر اصل عزت بنا شده است. تحقق این اصل برآمده از فقه اسلامی، مستلزم تغییرات اساسی در سطوح ساختاری و رفتاری است. این نوشتار، بر آن بخش از استلزامات اصل عزت تمرکز یافته است که حیث رفتاری داشته و در مواجهه با کنش‌های بازیگران روابط بین‌الملل مطرح است. نتایج به دست آمده با بهره‌گیری از روش استنباط از منابع اولیه اسلامی و نیز استفاده از مؤیداتی؛ همچون مفاد قانون اساسی و بیانات رهبران فکری - سیاسی انقلاب اسلامی، نشان‌گر آن است که عزت جمهوری اسلامی در گرو آن است که در حوزه رفتاری در مواجهه با بازیگران روابط بین‌الملل، نظام جمهوری اسلامی، از یک سو در حوزه روابط میان کشورهای اسلامی، به سیاست‌هایی روی آورد که منجر به تحکیم و افزایش قدرت آنان در برابر تهدیدات بیرونی شود و از سوی دیگر، در مواجهه با بازیگرانی از روابط بین‌الملل، که در دایره کفر قرار می‌گیرند، سیاست‌هایی در پیش گیرد که در نهایت منجر به استقلال و نفی هرگونه وابستگی یک‌جانبه نسبت به آنها شود.

کلیدواژه‌ها

اصل عزت، نظام جمهوری اسلامی، سیاست خارجی، استلزامات، رفتاری.

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، قم، ایران. shaban1351@yahoo.com

* شبان‌نیاء، قاسم. (۱۳۹۹). استلزامات رفتاری اصل عزت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. دوفصلنامه علمی - تخصصی فقه و سیاست، ۲(۱)، صص ۹۰-۱۱۵.
Doi: 10.22081/ijp.2021.61323.1017

مقدمه

سیاست خارجی جمهوری اسلامی، با الهام از منابع اسلامی، بر اساس سه اصل: عزت، حکمت و مصلحت بنیان گذاشته شده است. هر یک از این اصول، از آن چنان جایگاهی در منظومه سیاست خارجی دولت اسلامی برخوردارند که می‌توان ادعا کرد هرگونه سیاست‌گذاری در این عرصه، لازم است به یکی از این سه اصل بازگشت نماید. در میان این اصول سه‌گانه، اصل عزت، در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با سایر بازیگران بین‌الملل اعم از دولت‌ها، ملت‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی اهمیت بسیار دارد.

در منابع اسلامی، ادله، مؤیدات و شواهد بسیاری را بر اهمیت این اصل مبنایی می‌توان یافت. از جمله، در قرآن کریم تصریح شده است که عزت، تنها از ناحیه خداوند متعال نشأت می‌گیرد (فاطر، ۱۰) و در آیه دیگری، عزت را تنها در جبهه حق و متعلق به خداوند، رسول مکرم اسلام ﷺ و مؤمنین دانسته است (منافقون، ۸). به جهت عزتی که خداوند متعال به بندگان مؤمنش اعطا فرموده، هیچ‌گاه به او اجازه نمی‌دهد عزت را با ذلت معامله کند. لذا امیرالمؤمنین، علی علیه السلام توصیه فرمودند: «کسی خود را به بندگی کس دیگری نگیرد و همواره آزاده باشد؛ چرا که خداوند انسان‌ها را آزاد قرار داده است». روایاتی همچون: «الموت و لا ابتذال الخزیه؛ مرگ و نه خواری و رسوایی» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۹۸)، «مقاساه الاقلال و لا ملافاه الاذلال؛ رنج کشیدن درویشی و نه بر خوردن خواری» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۳، ج ۶، ص ۱۳۱) و «الْمَنِيهَ وَ لَا الدَّيْنِيهَ وَ التَّقَلُّلُ وَ لَا التَّوَسُّلُ؛ مردن و پستی‌نکشیدن و به اندک ساختن و خواری‌نبردن» (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۹۶)، گویای این نکته هستند که اسلام حتی در شرایط سخت اجازه ذلت و خواری را به افراد نمی‌دهد. این فرمایشات، و مانند آن که در این نوشتار فرصت بیان آنها نیست، حکایت از جایگاه رفیع اصل عزت در نظام اسلامی دارد.

باید توجه داشت که این اصل، به دلیل اهمیت افزونش، بر بسیاری از اصول دیگر در روابط کشور اسلامی با سایر بازیگران حاکم است و هیچ‌گاه استثنا نیز نمی‌پذیرد. از این‌رو، لازم است به‌عنوان ضلعی از اضلاع سه‌گانه سیاست خارجی جمهوری اسلامی

مطمح نظر قرار گیرد. بدیهی است محوریت یافتن این اصل در سیاست خارجی، مستلزم آن است که سیاست گذاری‌های خُرد و کلان در این حوزه، با توجه به این اصل جهت داده شود. لازمه چنین امری، تبیین و تحلیل استلزامات اصل عزت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی است.

نکته دیگر آنکه، تحقق اصل عزت، مستلزم تحولاتی اساسی هم در حوزه رفتار و هم در حوزه ساختار سیاست خارجی جمهوری اسلامی است. این نوشتار متکفل استلزامات رفتاری این اصل است و لازم است استلزامات ساختاری تحقق این اصل در نوشتارهایی دیگر به بحث و بررسی گذاشته شود. بنابراین، این نوشتار بر این مسأله تمرکز یافته است که پذیرش اصل عزت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، چه استلزامات رفتاری را در پی دارد.

البته تحقق اصل عزت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، از یک‌سو، مستلزم تحکیم روابط میان مسلمین و از سوی دیگر، مواجهه مناسب در قبال بازیگرانی است که رفتار خویش را براساس دشمنی با اساس اسلام و مسلمین سامان داده‌اند؛ بنابراین، پی‌گیری اصل عزت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، مستلزم آن است که در دو حوزه، رفتارهایی از سوی جمهوری اسلامی شکل گیرد؛ نخست در حوزه روابط میان کشورهای اسلامی به منظور تحکیم و افزایش قدرت آنان در برابر تهدیدات بیرونی و دیگر، در حوزه مواجهه کشورهای اسلامی با بازیگرانی از روابط بین‌الملل، که در دایره کفر قرار می‌گیرند. این نوشتار تلاش می‌کند تا استلزامات رفتاری اصل عزت را در جمهوری اسلامی ایران هم در قبال کشورهای اسلامی و هم در قبال کشورهای غیراسلامی بررسی نماید.

شایان ذکر است که در بررسی این استلزامات می‌توان از روش‌ها و قالب‌های مختلفی بهره گرفت. در این نوشتار، تلاش شده است تا علاوه بر بهره‌گیری از منابع استنباطی فقه شیعی برای استخراج مهم‌ترین سیاست‌های کلانی که این اصل اقتضا می‌کند، مطالب یادشده، در مواردی، به اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی و بیانات رهبران فکری - سیاسی نظام جمهوری اسلامی، مؤید گردد.

۱. استلزامات رفتاری اصل عزت در حوزه مواجهه با کشورهای اسلامی

۱-۱. اتخاذ سیاست هم‌گرایانه در میان کشورهای اسلامی

هرگاه در میان کشورهای اسلامی، همگرایی در اولویت قرار گرفته است، شاهد عزت بلاد اسلامی نسبت به سایر بلاد بوده‌ایم و هرگاه همگرایی به‌سوی واگرایی سوق پیدا کرده است، شاهد افول مسلمین و کاهش نقش مؤثر آنان در مواجهه با مسائل حادث شده در روابط بین‌الملل بوده‌ایم. از این‌رو، بایسته است جمهوری اسلامی با اتخاذ تدابیری، سیاست هم‌گرایانه در میان مسلمین را تقویت نمایند. بدین‌منظور، جمهوری اسلامی می‌تواند از طریق سازوکارهایی به این مهم جامه عمل بپوشاند:

۱. تقویت روحیه تعاون و همکاری: مسلمین در روابط خود با یکدیگر، باید در امور خیر و نیک، اصل را بر همکاری و تعاون بگذارند و بدیهی است این امر تأثیر به‌سزایی در همگرایی میان کشورهای مزبور خواهد داشت. براساس آیه شریفه: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ؛ و در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید و در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید» (مائده، ۲)، مسلمین از یک‌سو، امر به تعاون و همکاری در امور نیک و تقوا شده‌اند و از سوی دیگر، از تعاون و همکاری در گناه و خصومت منع گردیده‌اند. همچنین براساس فرمایش نبی مکرم اسلام ﷺ، مؤمنین باید از طریق همکاری و تعاون با یکدیگر، موضع ضعف یکدیگر را جبران نموده، به‌طور فزاینده‌ای قدرت خود را افزایش دهند: «مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِيَمَا بَيْنَهُمْ كَمَثَلِ الْبُنْيَانِ يَمْسِكُ بَعْضُهُ بَعْضًا وَ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا؛ مَثَلُ مُؤْمِنِينَ فِي مَا بَيْنَهُمْ كَمَثَلِ الْبُنْيَانِ يَمْسِكُ بَعْضُهُ بَعْضًا وَ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا» (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳۷۷).

۲. بهره‌گیری از ظرفیت تألیف قلوب با هدف جلب قلوب مسلمین نسبت به یکدیگر و جلوگیری از تفرق ناشی از اختلافات دینی و مذهبی: اصل تألیف قلوب، از اصول پرکاربرد و هم‌گرایانه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی است. براساس آیه ۶ توبه، خداوند متعال، به منظور جلب قلوب دیگران به‌سوی اسلام، بخشی از صدقات واجب را متعلق به «مؤلفه قلوبهم»، دانسته است. «مؤلفه قلوبهم»، به کسانی گفته می‌شود که به وسیله مودت و حتی احسان مالی و به‌منظور نصرت دین، قلوب آنان به‌سوی اسلام

جذب گردد، بذر محبت اسلام در دل آنان افکنده شود و یا ایمان آنان تقویت شود. هر چند برخی فقهای شیعه معتقدند که این سهم به کفار برای جلب قلوبشان به سوی اسلام تعلق می‌گیرد (به‌عنوان نمونه: ر.ک: طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۸۵۷؛ حلی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۳۸۶؛ حلی، ۱۴۰۵ق، ص ۱۴۳؛ حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۴۹)، لیکن فقهای شیعه نیز معتقدند علاوه بر کفار، این سهم به مسلمین ضعیف‌الایمان، به‌منظور تقویت ایمان‌شان نیز تعلق می‌گیرد (به‌عنوان نمونه: ر.ک: حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۵۷؛ قمی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۳۷؛ خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۱۲) و حتی عده‌ای بر این اعتقادند که این سهم فقط به مسلمین تعلق می‌گیرد (به‌عنوان نمونه: ر.ک: بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۲، ص ۱۷۷؛ نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۲۷۶؛ حکیم، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۳۴). این امر حاکی از اهمیت روابط الفت‌آمیز است و بر جمهوری اسلامی لازم است به‌منظور بالابردن قدرت جبهه حق در برابر جبهه طاغوت، به‌ویژه برای تحکیم روابط با مسلمین، این اصل را محور قرار دهد.

۳. پرهیز از هرگونه رفتارهای تفرقه‌انگیز: نظام جمهوری اسلامی، باید اساس رابطه خود با یکدیگر را بر صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز بنا نهد و از هرگونه رفتار منجر به اختلاف میان مسلمین، خودداری کند (بقره، ۲۰۸). اساساً ادیان آسمانی با هدف وحدت و انسجام میان انسان‌ها شکل گرفته‌اند و ایجاد هرگونه اختلاف و تفرقه، برخلاف اهداف اولیه شکل‌گیری چنین ادیانی است. از این‌رو، برای کسانی که باعث اختلاف میان مسلمین می‌گردند، جز عذاب الهی نباید انتظار دیگری داشت (آل‌عمران، ۱۰۵)؛ لذا منافقین به‌عنوان کسانی که در جوامع اسلامی به‌دنبال اختلاف هستند، مورد مذمت واقع شده‌اند (توبه، ۵۶).

۴. تلاش در رفع تنش‌های ایجادشده در میان مسلمین: علاوه بر اینکه جمهوری اسلامی در روابط خود با سایر مسلمین، لازم است از اختلاف‌انگیزی پرهیز نماید، بلکه موظف است در صورت وجود اختلاف میان مسلمین، برای رفع آن تلاش کند و حتی با کسی که هم‌چنان بر اختلاف و قتال اصرار دارد، مقاتله نماید تا به امر خدا تن دهد (حجرات، ۹ و ۱۰). اساساً آشتی دادن مسلمانان، علاوه بر افزایش همگرایی میان آنان، سبب بهره‌گیری از ظرفیت‌های یکدیگر خواهد شد و این امر، زمینه قدرت‌افزون‌تر کشورهای

اسلامی را در صحنه بین‌الملل فراهم خواهد کرد. لذا در متون دینی برای رفع اختلافات میان مسلمین و مومنین، پاداش عظیمی در نظر گرفته شده است. امام باقر علیه السلام نیز فرمود: «رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً أَلْفَ بَيْنَ وَلَيْسَ لَنَا يَا مَعْشَرَ الْمُؤْمِنِينَ تَأَلَّفُوا وَ تَعَاظَفُوا؛ خداوند کسی را که بین دو دوستدار ما الفت ایجاد می‌کند، مورد رحمت خویش قرار دهد؛ ای گروه مؤمنان! با یکدیگر الفت گزینید و نسبت به هم مهربان باشید» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۴۵).

۲-۱. حمایت از یکدیگر در مقابل تهدیدات مشترک

از جمله سیاست‌های جمهوری اسلامی که در راستای حفظ عزت و اقتدار جبهه اسلام در مقابل کفر تعریف شده است، حمایت از سایر مسلمین در زمانی است که مقابل دشمن مشترکی قرار می‌گیرند؛ چراکه افزایش همگرایی در قالب حمایت از یکدیگر، از مسلمین آن‌چنان قدرتی را تولید می‌کند که می‌تواند آنان را در موقعیت برتر قرار دهد. در روایتی از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، مؤمنین همچون ید واحدی در مقابل سایرین قلمداد گردیده‌اند: «الْمُؤْمِنُونَ يَدٌ وَاحِدَةٌ عَلَى مَنْ سِوَاهُمْ؛ مؤمنین در مقابل دیگران، ید واحده هستند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۸، ص ۱۵۰).

به سبب پیامدهای سیاسی مهم حمایت مسلمین از یکدیگر؛ از جمله کسب اقتدار در برابر تهدیدات است که در روایات، از یک سو، به یاری‌کنندگان مؤمنین و مدافعان مظلومین بشارت به اجر دنیوی و اخروی داده شده (به عنوان نمونه: ر.ک: ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳۷۷) و از سوی دیگر، وعده عقاب و عذاب دنیوی و اخروی به کسانی داده شده که در هنگام ضرورت، حمایتی از برادران ایمانی خود نمی‌کنند. قابل توجه است امام صادق علیه السلام، پیامد ترک یاری و حمایت مؤمنین را خذلان در این دنیا و آخرت برای شخصی دانسته‌اند که قادر به انجام آن است، اما از آن خوداری می‌کند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۲۶۷). در بیان دیگری از آن حضرت نیز آمده است: «اگر کسی علی‌رغم یاری جستن برادران ایمانی به آن وقعی ننهد، خداوند او را مورد ابتلاهای شدیدی قرار خواهد داد و از آن جمله اینکه به چنان ذلتی خواهد افتاد که شخص ناچار خواهد گردید حوائج اعداء دین را تأمین نماید (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۳۸۶؛ طبرسی، ۱۳۸۵ق، ص ۱۰۴).

۲. استلزامات رفتاری اصل عزت در مواجهه با کشورهای غیر اسلامی

۱-۲. حفظ اقتدار و صلابت در برابر دشمن

عزت و اقتدار مسلمین و مستضعفین جهان در گرو تقویت روحیه صلابت و پایداری در میان آنان است و جمهوری اسلامی در حال حاضر می‌تواند به‌عنوان محور جبهه مقابله با نظام سلطه، از این عزت و اقتدار پاسداری نماید. جمهوری اسلامی بر آن است تا با بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و امکانات موجود، از موضع اقتدار و عزت وارد عرصه بین‌الملل شود و حتی گاهی برای نشان‌دادن این اقتدار و ایجاد هراس در دل دشمنان آن، قدرت نظامی خود را نیز به نمایش گذاشته است.

در قرآن کریم، نخست بر آمادگی کامل و به‌نمایش‌درآوردن قدرت توسط مسلمین در پیش چشم دشمنان به‌منظور هراسان‌نمودن دشمن، تأکید شده است (انفال، ۶۰) و آنگاه به مسلمین اجازه داده شده در صورت درخواست صلح از طرف مقابل، آن را بپذیرند (انفال، ۶۱)؛ البته این صلح و سلم نیز تا زمانی است که دشمن از سر مکر و خدعه وارد نشود؛ در غیر این صورت، نباید با آنان از سر سازش درآمد (انفال، ۶۲)؛ بلکه باید به‌شدت، مراقب آنان بود تا از این فرصت برای تضعیف مسلمین سوءاستفاده نکنند.

به دلیل نقش مؤثر قدرت‌نمایی در برابر دشمن است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در زمان فتح مکه، دستور دادند تا به گونه‌ای ابوسفیان را در تنگنای وادی بالای تیغ کوه نگه دارند تا عبور لشکریان خدا را ببیند و تحت تأثیر اقتدار و قدرت سپاه اسلام قرار گیرد (الکتاب، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۰۵).

مقام معظم رهبری، در خصوص آیه شریفه: «مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»؛ محمد فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهربانند (فتح، ۲۹)، تصریح نموده‌اند: «شدت؛ یعنی استحکام. استحکام، یک‌وقت در میدان جنگ است، یک‌جور بروز می‌کند؛ یک‌وقت در میدان گفتگوی با دشمن است، یک‌جور بروز می‌کند. شما ببینید پیغمبر در جنگ‌های خود، آن‌جائی که لازم بود با طرف خود و دشمن خود، حرف بزند، چه جوری حرف می‌زند. سر تا پای نقشه‌ی پیغمبر استحکام است؛ استوار! یک ذره خلل

نیست. در جنگ احزاب، پیغمبر با طرف‌های مقابل وارد گفتگو شد؛ اما چه گفتگویی! تاریخ را بخوانید. اگر جنگ است، با شدت؛ اگر گفتگو است، با شدت؛ اگر تعامل است، با شدت؛ با استحکام. این، معنای اشداء علی الکفار است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۵/۹).

البته لازمه برقراری ارتباط با کشورهای دیگر و کاهش تنش در روابط بین‌الملل، گاهی نشان‌دادن نرمش و انعطاف مقطعی است. در توصیه امیرالمؤمنین علی علیه السلام، نیز آمده است که هرگاه نیاز باشد، باید به دشمن تا آن حد نزدیک شد که بتوان به خواسته خود دست یافت، اما حضرت هشدار می‌دهد نباید این نزدیکی و قربت، به گونه‌ای باشد که سبب خواری خود و همراهان خود شود (ابن ابی‌الحدید، بی‌تا، ج ۲۰، ص ۳۴۲). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای نیل به هدف عالی خود، تصمیم گرفتند در حدیبیه امتیازاتی به طرف مقابل؛ یعنی قریش بدهند. قریش، سه پیش‌شرط برای مذاکرات با پیامبر صلی الله علیه و آله قرار دادند و علاوه بر این، در یکی از بندهای صلح‌نامه تصریح شد که اگر کسی از مسلمانان مکه به مدینه گریخت، به مکه بازگردانده شود، ولی اگر کسی از مدینه به مکه گریخت، به مدینه بازگردانده نمی‌شود. حتی در نوشتن متن توافق‌نامه نیز قریش، شروع آن با «بسم الله الرحمن الرحیم» که پیشنهاد شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود را نپذیرفت و اصرار داشت تا با «بسمک اللهم» شروع شود. همچنین سهیل بن عمرو - نماینده قریش - اصرار داشت تا به جای عنوان «رسول الله» برای پیامبر، از عنوان «محمد بن عبدالله» استفاده شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به جهت نتایج پُر برکتی که بر این صلح می‌دیدند، علی‌رغم مخالفت برخی مسلمانان، تمام این موارد را پذیرفتند (حمیری، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۱۷). این معاهده صلح، زمینه‌ای فراهم کرد تا پیامبر عظیم‌الشأن اسلام بتواند به دور از کارشکنی‌های قریش، اسلام را به قبایل دیگر عرب عرضه کند؛ حتی زمینه‌هایی فراهم شد تا ایشان با سران بزرگ کشورهای دنیا نامه‌نگاری و آنان را به سوی اسلام دعوت کند. از سوی دیگر هم قبایل مختلف عرب می‌توانستند اسلام را با خیال آسوده‌تری بپذیرند و از کارشکنی و آزار قریش ایمن باشند.

تعبیر «نرمش قهرمانانه» از مقام معظم رهبری، جلوه‌ای از انعطاف در عین صلابت و مقاومت است. به تعبیر ایشان: «نرمش قهرمانانه، به معنای مانور هنرمندانه برای دست‌یافتن

به مقصود است؛ به معنای این است که سالک راه خدا - در هر نوع سلوکی - به سوی آرمان‌های گوناگون و متنوع اسلامی که حرکت می‌کند، به هر شکلی و به هر نحوی هست، باید از شیوه‌های متنوع استفاده کند برای رسیدن به مقصود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۸/۲۹)؛ البته در حین انعطاف و نرمش، نباید از کید و فریب دشمن غافل بود و لازم است همواره دشمن را رصد کرد: «بنده معتقد به همان چیزی هستم که سال‌ها پیش اسم‌گذاری شد؛ «نرمش قهرمانانه»؛ نرمش، در یک جاهایی بسیار لازم است، بسیار خوب است؛ عیبی ندارد، اما این کشتی‌گیری که دارد با حریف خودش کشتی می‌گیرد و یک جاهایی به دلیل فتنی، نرمشی نشان می‌دهد، فراموش نکند که طرفش کیست؛ فراموش نکند که مشغول چه کاری است؛ این شرط اصلی است؛ بفهمند که دارند چه کار می‌کنند؛ بدانند که با چه کسی مواجهند؛ با چه کسی طرفند؛ آماج حمله‌ی طرف آنها کجای مسئله است؛ این را توجه داشته باشند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۶/۲۶).

۲-۲. بهره‌گیری از اصل تولی و تبری در تنظیم روابط خارجی

از جمله فرائض دینی مسلمین، تولی و تبری است که پیامد تحقق آن، شکل‌گیری جبهه ولایی از یک‌سو، و تضعیف جبهه طاغوت است. کاربست این فریضه در عرصه بین‌الملل، می‌تواند نقش مؤثری در تحقق اصل عزت داشته باشد. دیپلماسی جمهوری اسلامی مبتنی بر اصل عدم دوستی با دشمنان حق و حقیقت و لزوم دوستی و مودت با مؤمنان است. جمهوری اسلامی، از یک‌سو، باید در محوری قرار گیرد که مسلمین، مؤمنین و صالحین در آن قرار دارند و مرزهای جغرافیایی نباید مانع مودت و قرابت نسبت به این دسته از افراد شود و از سوی دیگر، نباید خود را در پیوند قلبی و مودت با طاغوتیان و حکام نامشروع قرار دهد.

قرآن کریم مسلمین را از رابطه ولایی با کفار و مشرکین، به‌عنوان مظهر طاغوت، پرهیز داده است. آیاتی با صراحت بر این مطلب دلالت دارند که هرگونه رابطه ولایی مسلمین با کفار، به شکل مطلق، ممنوع است. جالب توجه است که کفر مقید به اموری همچون: جنگ و خصومت کفار نشده و خود کفر فی‌نفسه، باعث ممنوعیت چنین رابطه

ولایی است (نساء، ۱۳۹ و ۱۴۴؛ آل عمران، ۲۸). همچنین در آیاتی از رابطه ولایی با اهل کتاب نیز پرهیز داده است (مائده، ۵۱ و ۵۷). رابطه ولایی با اهل کتاب، به شکل مطلق، ممنوع است و این آیات، اهل کتاب را به متجاوز، توطئه‌گر یا فتنه‌انگیز قید کرده‌اند. پس رابطه ولایی با اهل کتاب هم مطلقاً ممنوع است.

مراد از رابطه ولایی با کفار این است که حب آنها در دل افکنده شود، از آنان تبعیت صورت گیرد و یاری شوند؛ البته نکته فوق به این معنا نیست که هرگونه برقراری رابطه و انجام مذاکرات با کفار و اهل کتاب ممنوع است؛ بلکه این آیات درصدد بیان پرهیزدادن از ایجاد رابطه ولایی با ایشان و نفرت از استکبار، طغیان و کفر آنان است؛ و الا صیرف برقراری رابطه، و حتی بز و احسان به ایشان منجر به ایجاد رابطه ولایی نخواهد گردید. به عبارت دیگر، ممکن است گاهی لازم باشد بنا به مصالحی، از جهت تاکتیکی، به دوستی و مودت ظاهری با دشمن تن داد، اما این چیزی غیر از مودت قلبی، اتکا و اعتماد به دشمن است (ممتحنه، ۷). در این صورت، باید با دقت کافی مراقب دشمن بود و اشتراک منافع در برخی زمینه‌ها، باعث فراموشی دشمنی دشمن نشود.

برای توضیح بیشتر می‌توان موالات را براساس چند ملاک تقسیم‌بندی کرد و حکم آن را مشخص نمود. موالات را در یک تقسیم‌بندی می‌توان به: موالات مطلق و مقید تقسیم کرد. مراد از موالات مطلق، این است که مودت قلبی و میل باطنی نسبت به کفار ایجاد شود و آنها را پناه خود محسوب کرد و از آنان طلب یاری خواست و نیز متقابلاً آنان را پناه داد و یاری‌شان کرد و هر آنچه را که آنان بخواهند، برآورده ساخت. در این صورت، همان‌گونه که در آیه نخست نیز بیان شده است، آن فرد مسلمان از خود کفار محسوب خواهد گردید. اما مراد از ولایت مقیده این است که در امور خاص و محدودی با ایشان رابطه برقرار شود؛ مثل: رابطه زوجیت، معاشرت با آنان و در این صورت، بسته به نوع رابطه‌ای که برقرار می‌شود، حکم آن متفاوت می‌گردد (الطریقی، ۱۴۱۴ق، ص ۶۸).

در تقسیم دیگری، موالات به: موالات قلبی و عملی تقسیم می‌شود. مراد از موالات قلبی، این است که حب غیرمسلمان در دل افکنده شود. در این صورت، علت این حب

قلبی، اگر به اعتبار کفر او باشد، ناشی از ضعف ایمان خواهد بود و خود، نشانه کفر است (ممتحنه، ۱). اما اگر این موالات قلبی، ناشی از وجود برخی خصال شایسته در او یا عواملی طبیعی باشد که در اختیار خود انسان نیست (همچون میل طبیعی به زوجه کتابی یا فرزند کافر)، در این صورت، چنین موالاتی نشانه کفر و گناهی کبیره نیست، بلکه در اولی نشانه این است که آن فرد مسلمان با کمال مطلوب فاصله دارد و در دومی، نقصی محسوب نمی‌گردد.

مراد از موالات عملی، تصرفاتی است که مسلمان در مواجهه با کافر انجام می‌دهد. موالات عملی به چند صورت قابل تصور است که به برخی از مصادیق سیاسی آن اشاره می‌شود:

۱. اطاعت و تبعیت از آنان در امور شرعی: به این شکل که یا امری همچون دعوت به سوی اسلام کنار گذاشته شود یا اینکه حلالی از خدا، حرام و یا حرامی از خدا، حلال گردد (انعام، ۱۲۱) و یا اینکه در برخی مسائل دینی، مطابق با هوا و هوس آنان عمل شود (جائیه، ۱۸). در این صورت، چنین موالاتی قطعاً ممنوع است.

۲. صاحب راز و سِرّ گرفتن کفار: نباید فرد، جماعت و دولت کفر را صاحب سِرّ گرفت و در امور مهم مسلمین، آنان را محرم دانست؛ چراکه آنان از هر گونه شر و فساد دربارۀ مسلمین کوتاهی نخواهند کرد و آنان دوست می‌دارند که مسلمین در رنج و زحمت باشند؛ هر چند که آنان به زبان، دشمنی می‌کنند، اما آنچه در دل آنها می‌گذرد، بسی مهمتر از آن است (آل عمران، ۱۱۸).

۳. نرمش نشان‌دادنی که به حساب دین گذاشته شود یا باعث ترک یک امر واجب اسلامی شود و یا باعث سکوت در برابر امر باطلی و ... شود، مذموم است (قلم، ۹).

۴. نصرت کفار ضد مسلمین: نصرت در اینجا به چند شکل قابل تصویر است: الف. مسلمان زیر بیرق کفاری قرار گیرد که در حال قتال با مسلمین اند. بدیهی است این صورت، بدترین شکل موالات و حرام است. ب. مسلمان از کفار برای قتال با مسلمین و دولت اسلامی مدد بگیرد؛ در این صورت نیز، جایز نخواهد بود؛ هر چند در کم و کیف و شدت و ضعف این حکم، به تناسب اینکه دولت مورد نظر، عادلانه باشد یا

جائر و یا اینکه از اهل بغی باشند، تفاوت وجود دارد. ج. تحریض کفار بر قتال با مسلمین: در این صورت نیز چنین چیزی روا نیست و به شدت مذموم است. د. نصرت کفار در صورت اکراه: در این صورت نیز مسلمان حق نصرت کفار را ندارد (الطریقی، ۱۴۱۴ق، صص ۶۸-۸۲).

علاوه بر این، از جمله مصادیق تبری نسبت به دشمنان اسلام آن است که به آنان اعتماد نابجا نشود؛ چراکه اعتماد نابجا نسبت به بازیگران نظام سلطه، اعم از دولت‌ها، سازمان‌ها و افراد، می‌تواند ضربات جبران‌ناپذیری به نظام-هم در عرصه دیپلماسی و گفتگو و هم در عرصه تقابل و درگیری- وارد کند. اعتماد و خوش بینی ناروا نسبت به دشمن، مظاهر و جلوه‌های گوناگونی دارد که در اینجا با بهره‌گیری از نصوص اسلامی به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. یکی از مظاهر خوش‌بینی و اعتماد نسبت به دشمن این است که از او طلب خیرخواهی نمود و از او انتظار داشت که در گفتگوها و مذاکرات رویکرد خیرخواهانه در پیش گیرد. به فرمایشی حضرت علی علیه السلام: «قَدْ جَهِلَ مَنْ اشْتَصَحَ أَعْدَاءَهُ؛ نادان است کسی که از دشمنش خیرخواهی طلبد» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۴۷۳).

۲. یکی دیگر از مظاهر خوش‌بینی نسبت به دشمن، رایزنی با او و در اختیار قرار دادن اطلاعات است. در آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِيَدِهِمْ وَلَا يَأْلُونَكُمْ حَبَالًا وَدُورًا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! محرم اسراری از غیر خود انتخاب نکنید. آنها از هرگونه شر و فساد دربار شما کوتاهی نمی‌کنند. آنها دوست دارند شما در رنج و زحمت باشید. نشانه‌های دشمنی از دهان‌شان آشکار شده و آنچه در دل‌های‌شان پنهان می‌دارند، از آن مهمتر است» (آل عمران، ۱۱۸) تأکید شده است که اسرار خود را در اختیار رقیب‌تان قرار ندهید، چراکه آنان از همین اسرار علیه خود شما بهره خواهند گرفت. علی علیه السلام نیز در این باره فرمودند: «لَا تُسَاوِرْ عَدُوَّكَ وَاسْتُرْهُ حَبْرَكَ؛ دشمنت را به مشاوره مگیر و اخبارت را از او پنهان کن» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۳، ج ۶، ص ۲۶۹)؛ بنابراین، نباید دشمن را امین خود به شمار آورد و به او اعتماد کرد: «لَا تَأْمَنُ عَدُوًّا وَ إِنْ شَكَرَ؛ دشمن را امین شمار؛

گرچه سپاس گوید» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۳، ج ۶، ص ۲۶۸).

۳. از دیگر مصادیق اعتماد و خوش بینی نسبت به دشمن، دراز کردن دست خود به سوی دشمن در زمان نیازمندی است که البته نه تنها نیازش تأمین نخواهد شد، بلکه به هر اندازه که در این زمینه به دشمن اتکا شود، از خواسته اش بیشتر فاصله خواهد گرفت: «مَنْ اسْتَعَانَ بِعَدُوِّهِ عَلَيَّ حَاجَتِهِ اَزْدَادَ بُعْدًا مِنْهَا؛ آنکه از دشمنش بر رفع نیازمندی اش کمک جوید، دوری اش از خواسته اش بیشتر شود» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۳، ج ۵، ص ۴۱۴).

مقام معظم رهبری نسبت به عدم اعتماد و خوش بینی در مقابل دشمن چنین هشدار داده اند: «در بهترین حالات، با مسائل جهانی، با روابط بین المللی، در مواجهه با شیرین ترین لبخندهای دیپلماسی، در مبادله ی گرم ترین درودها و سلام هایی که مسؤولان و رؤسای سیاسی دنیا به یکدیگر تحویل می دهند، در هر کدام از آنها باید مراقب دشمن باشند؛ چون عالم دیپلماسی و روابط بین الملل و مسائل جهانی، عالم صفا و صداقت که نیست» (خامنه ای، ۱۳۷۸/۱/۲۵). در جایی دیگر نیز بیان داشتند: «همین تشنج زدایی ای که امروز در بحث سیاست خارجی ما مطرح می شود، مورد تأیید ماست. باید تشنج زدایی شود؛ اما تشنج زدایی غیر از این است که کسی به آنها اعتماد پیدا کند؛ نه، او هم به ما اعتماد ندارد؛ ما هم به او اعتماد نداریم. کسانی که در زمینه ی مسائل دیپلماسی فعالند، کاملاً می فهمند که بنده چه عرض می کنم. اصلاً میدان دیپلماسی، میدان یک نبرد واقعی است؛ منتها نبردی که پشت میز و با لبخند و با گفتن صبح بخیر و شب بخیر انجام می گیرد! وجود ارتباطات دیپلماتیک، هرگز نباید به معنای اعتماد به دشمن تلقی شود؛ نباید اعتماد کرد» (خامنه ای، ۱۳۷۹/۴/۱۹).

۲-۳. تقویت روحیه استقلال و نفی سلطه پذیری

از جمله اصولی که زمینه نفی استکبار، سلطه طلبی، استعمار و استثمار را فراهم می کند، اصل «نفی سیل»، استقلال و نفی وابستگی است. آیه شریفه: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً؛ خداوند اجازه سلطه کفار بر مؤمنین را نداده است» (نساء، ۱۴۱). در حقیقت، راه هر گونه نفوذ و تسلط حکومت های خارجی و آحاد بیگانگان را بر کشورهای اسلامی

و آحاد مسلمانان مسدود کرده است. در نتیجه، تحت هیچ شرایطی و در هیچ زمینه‌ای، نباید اجازه داد، کفار بر مسلمین چیره گردند (ضیائی بیگدلی، ۱۳۶۶، ص ۵۱).

رعایت این اصل، عزّت و اقتدار را برای جمهوری اسلامی به ارمغان خواهد آورد. بدیهی است در روابط بین‌الملل، عزت جمهوری اسلامی، نه در انفعال و خودباختگی، بلکه در گرو روحیه استقلال‌طلبی و نفی سلطه‌پذیری است. در فرمایشی گهربار از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام تأکید شده: «آنچه که مایه عزت و اقتدار دولت اسلامی می‌گردد، حفظ روحیه جهادی و عدم پذیرش سلطه بیگانگان است» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۲).

بنابراین، برای حفظ عزت، کرامت و شرف، مسلمین در درجه اول، باید از استیلاى کفار بر جامعه اسلامی جلوگیری نمود؛ چراکه در عالم تشریح، شارع مقدس، به مسلمین اجازه نمی‌دهد تا زمینه سلطه کفار و مشرکین را بر خود فراهم نمایند. فلسفه چنین حکمی نیز این است که در صورتی که آنان در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی یا نظامی، بر مسلمین مسلط گردند، در ادامه، متعرض مقدسات آنان نیز خواهند گردید و تلاش خواهند کرد تا مسلمانان را نیز به سوی آیین انحرافی خود روی گردانند (ممتحنه، ۲).

در درجه بعد، مسلمین باید به دنبال حفظ علو و برتری خود بر کفار و مشرکین برآیند و به آنان مجالی ندهند تا به فکر غارت و چپاول منابع مادی و معنوی مسلمین برآیند. در روایتی از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، که در منابع متعدد فقهی مورد استناد فقها قرار گرفته است، بر این مطلب تأکید شده است: «الْإِسْلَامُ يُعْلُو وَ لَا يُعْلَى عَلَيْهِ؛ اسلام علو و برتری دارد و چیزی بر اسلام علو و چیرگی ندارد» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۶، ص ۱۴).

در هر صورت، اصل نفی سلطه، راه هرگونه نفوذ و تسلط حکومت‌های کفر و شرک را بر کشورهای اسلامی و آحاد مسلمانان مسدود کرده است. در نتیجه غیرمسلمین، تحت هیچ شرایطی و در هیچ زمینه‌ای، نباید بر مسلمانان چیرگی داشته باشند. براساس همین قاعده، حضرت امام خمینی رحمته الله علیه، حکم به وجوب تجنب از قراردادهایی داده‌اند که با انعقاد آنها، زمینه خوف تسلط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی کفار فراهم می‌شود (خمینی، بی تا، ج ۱، ص ۴۸۶، مسأله ۵ و ۶).

۲-۴. عدم خودباختگی و سستی در برابر بیگانگان

انزوا و انفعال در سیاست خارجی جمهوری اسلامی در قبال بیگانگان، با عزّت، استغناء و استقلال سر سازش ندارد؛ لذا جمهوری اسلامی موظف است از هرگونه رفتاری که کشور را در موقعیت ضعف و سستی قرار می‌دهد، پرهیز نماید. آیات شریفه: «وَلَا تَهْتُوا وَلَا تَحْزُنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ سستی مکنید و [از شکست خود] محزون نگردید؛ چراکه اگر شما ایمان داشته باشید، برترید» (آل عمران، ۱۳۹) و «فَلَا تَهْتُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكُمُ أَعْمَالِكُمْ؛ مبادا سستی کنید و دشمن را به صلح و سازش فراخوانید؛ در حالی که شما برترید و خدا با شماست و او از پاداش اعمال‌تان نمی‌کاهد» (محمد، ۳۵)، مسلمین نمی‌توانند دست به اقداماتی زنند که موقعیت آنان را در میان کشورهای دیگر متزلزل سازد و از عزت و اقتدار آنان بکاهد.

خودباختگی و شیفتگی در برابر اندیشه‌ها، تفکرات، امیال، امکانات، نیروها و اعوان و انصار طرف مقابل، می‌تواند عزت مسلمین را با مخاطره مواجه سازد. گاهی طرف مقابل برای قدرت‌نمایی، از هر ابزار و وسیله‌ای بهره می‌گیرد تا شاید به اهداف از پیش تعیین شده خود نائل آید. لیکن نباید در مقابل آنها خود را باخت؛ چراکه تمام اینها، متاع قلیلی هستند که در نظر آنها بزرگ جلوه داده شده است (آل عمران، ۱۹۶ و ۱۹۷).

دشمنان و خداگریزان همواره در پی آنند تا مسلمین را از مسیر تکامل خود منحرف نموده به آیین خود سوق دهند؛ لذا خداوند متعال حتی نسبت به تأثیرپذیری مسلمین از باورها و اعتقادات کفار و مشرکین نیز هشدار داده و ترفندهای آنان را گوشزد کرده است (آل عمران، ۱۴۹؛ نساء، ۸۹؛ ممتحنه، ۱).

بی‌دلیل نیست که امام صادق علیه السلام در مقابله با دشمن، مبارزه منفی را پیشنهاد داده، مسلمین را نسبت به تقلید از دشمنان، حتی در اموری همچون پوشاک و طعام، پرهیز داده‌اند: «إِنَّهُ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيَّ نَبِيٍّ مِنْ أَنْبِيَائِهِ قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ لَا تَلْبَسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِي وَلَا تَطْعَمُوا مَطَاعِمَ أَعْدَائِي وَلَا تَسْلُكُوا مَسَالِكَ أَعْدَائِي فَتَكُونُوا أَعْدَائِي كَمَا هُمْ أَعْدَائِي؛ خداوند به یکی از پیامبران خود وحی فرمود تا به مؤمنان این گونه ابلاغ کند: که مبادا چون دشمنان من لباس بپوشید و همانند ایشان غذا بخورید و بدان آنان راه بروید که در آن صورت

شما نیز مثل آنان دشمن من خواهید بود» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۳۸۵). در فرمایش دیگری از آن حضرت آمده است که علی علیه السلام همواره تأکید می فرمودند؛ در صورت تأثیر پذیری، خودباختگی و انفعال در برابر دشمن، باید انتظار ذلت و پستی را داشت: «كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع يَقُولُ لَا تَزَالُ هَذِهِ الْأُمَّةُ بِخَيْرٍ مَا لَمْ يَلْبَسُوا لِبَاسَ الْعَجَمِ وَ يَطْعَمُوا أَطْعِمَهُ الْعَجَمِ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ ضَرَبَهُمُ اللَّهُ بِالذُّلِّ؛ امیر مومنان همیشه می فرمود: این امت همیشه در نیک بختی به سر برند تا وقتی که لباس بیگانگان را نپوشند و غذای بیگانگان را نخورند، اما وقتی چنین کردند، خداوند آنان را به خواری اندازد» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۲، ص ۴۱۰).

اساساً کسی که تحت تأثیر دشمن قرار می گیرد، در صدد برخواهد آمد تا خود را به او نزدیک و شبیه سازد و همین امر، زمینه را فراهم خواهد ساخت تا او با غلظه و علاقه‌ای که به دشمن پیدا کرده است، از خود آنان محسوب گردد و در راستای تأمین منافع آنان گام بردارد. لذا در فرمایشاتی از امیرالمؤمنین علیه السلام تأکید شده؛ کسی که خود را به قومی شبیه سازد، در نزد دیگران از آنان به شمار خواهد رفت (نهج البلاغه، حکمت ۲۰۷؛ مغربی ابن حیون، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۵۱۳).

بنابراین، برای صیانت از اصل عزت، در هنگام مواجهه با تهاجم ارزش‌های تحمیلی از سوی بیگانگان، لازم است نسبت به حفظ و تحکیم ارزش‌های متعالی تلاش کرد؛ چراکه عزت اسلام و مسلمین، در درجه نخست، منوط به حفظ و صیانت از ارزش‌هایی است که قوام جامعه اسلامی به آن‌هاست و اساساً نقطه تمایز جامعه اسلامی از سایر جوامع به حفظ همین ارزش‌ها، آرمان‌ها و احکام و ضوابطی است که از ناحیه خداوند ابلاغ گردیده است. از جمله اهداف نظام جمهوری اسلامی، از یک سو، تحقق اصول، احکام و موازین الهی و از سوی دیگر، مصون ساختن خود در برابر باورها و ارزش‌های بیگانگان است. این مهم، هم در عرصه داخلی و هم در عرصه خارجی مورد توجه قرار گرفته است؛ بنابراین، هرگونه کُنش و واکنش در حوزه دیپلماسی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی - چه در قالب تعامل و چه در قالب تقابل - باید بر این اساس سامان یابد.

از همین روست که حتی در هنگام انعقاد معاهدات، باید اصول و احکام فقهی اسلام، مراعات گردد و قراردادهای منعقد از سوی جمهوری اسلامی، نباید اندک مخالفتی با موازین اسلام و کتاب خداوند داشته باشد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۶۹). و حتی در قرارداد نباید شرطی آورده شود که خلاف شرع باشد (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۲۱۹). طبق فرمایش رسول مکرم اسلام ﷺ، «هرگونه صلحی جایز است؛ مگر صلحی که باعث حرام شدن حلالی و یا حلال شدن حرامی گردد» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۲).

همچنین در عرصه دیپلماسی نیز لازم است دیپلمات‌های کشور اسلامی، طی مذاکرات، همواره ضمن اینکه به احکام و موازین الهی پایبندند، مراقبت نمایند تا دشمن آنان را در آرمان‌های خویش دچار تردید نکند؛ چراکه اگر آنان، در اهداف و آرمان‌های خود دچار تردید و انفعال گردند و دشمن احساس کند می‌تواند مسیر مذاکرات را به سوی اهداف خود بکشانند، در این صورت، ابائی نخواهد داشت تا با هدف تغییر باورها و ارزش‌های الهی، نتایج مذاکرات را به سود خود رقم بزند. براساس آیات قرآن کریم، کفار با به اطاعت کشاندن مسلمین تلاش می‌کنند تا روی باورها و ارزش‌های آنان اثر گذاشته؛ ایشان را به گذشته زیان‌بار خود؛ یعنی کفر و الحاد برگردانند (آل عمران، ۱۴۹) و از این طریق باورها و ارزش‌های متدانی خود را جایگزین ارزش‌های متعالی اسلام نمایند.

در اصل ۳، قانون اساسی جمهوری اسلامی بر «تنظیم سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلام» تأکید شده است و از سوی دیگر، در اصل ۱۵۳، انعقاد هرگونه قراردادی که منجر به سلطه فرهنگی گردد، نفی گردیده است.

۲-۵. لزوم حفظ هوشیاری در برابر فریب‌کاری دشمن

گاهی ممکن است دشمن با هدف نیل به اهداف خود و از طریق حيله و تزویر، از باب مذاکره با جمهوری اسلامی درآید. لذا هم در زمان تعامل و هم در زمان تقابل، در مقابل بازیگران روابط بین‌الملل، باید نهایت مراقبت و هوشیاری را به خرج داد. حتی گاهی ممکن است پس از شکل‌گیری توافق میان دو کشور، در حالی که اذهان به‌سوی

زمینه غفلت از دشمن را فراهم خواهد کرد. کوچک شمردن دشمن، فعالان عرصه سیاست خارجی جمهوری اسلامی را از نیرنگ و فریب دشمن غافل خواهد ساخت و در نتیجه، صحنه را به دشمن واگذار خواهد کرد.

مولای متقیان، علی علیه السلام تصریح فرمودند: «لَا تَسْضِعِرْنَ عَدُوَّأَ وَاِنْ ضَعُفَ؛ دشمن را هیچ گاه کوچک نشمار ولو اینکه ضعیف باشد» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۳، ج ۶، ص ۲۷۳). در روایت دیگری، آن حضرت علاوه بر پرهیز دادن از کوچک شمردن دشمن، به فلسفه این حکم هم اشاره فرمودند و تصریح نمودند؛ علت آن این است که اگر دشمن کوچک شمرده شود، تلاشی برای محافظت در برابر آن صورت نخواهد گرفت و حال آنکه چه بسا چیز کوچکی که بر چیز بزرگی غلبه پیدا کرده است (ابن ابی الحدید، بی تا، ج ۲۰، ص ۲۸۲). گاهی کوچک شمردن دشمن باعث خواهد شد تا پیروزی در مقابل آن به چشم نیاید و شکست در برابر آن جز خفت به بار نیارد (ابن ابی الحدید، بی تا، ج ۲۰، ص ۳۰۹). در فرمایشات دیگری از آن حضرت، نسبت به پنهان کاری دشمن هشدار داده شده است و این امر حکایت از آن دارد که دشمن، ولو آنکه ممکن است، کوچک آید، ولیکن باید حتی دشمن کوچک را مراقبت کرد و گاهی به جهت آنکه دشمنی اش را غیر ملموس بروز می دهد، نیاز به ژرف نگری بیشتری است (تمیمی آمدی، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۱۸۸؛ تمیمی آمدی، ۱۳۷۳، ج ۵، ص ۱۹۶؛ تمیمی آمدی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۴۵۰؛ ابن ابی الحدید، بی تا، ج ۲۰، ص ۳۱۳).

نتیجه گیری

تحقق هر یک از سه اصل؛ عزت، حکمت و مصلحت، به عنوان اضلاع سه گانه سیاست خارجی جمهوری اسلامی - که البته برآمده از منابع اسلامی است - استلزاماتی را در پی دارد. بخشی از این استلزامات، در مواجهه با بازیگران مسلمان، به ویژه دولت های اسلامی و برخی دیگر در مواجهه با بازیگران غیر مسلمان، به ویژه دول غیر اسلامی مطرح می گردد. زمانی جمهوری اسلامی موفق به تحقق این ضلع سیاست خارجی جمهوری اسلامی خواهد گردید که در هر دو عرصه، به ویژه در ابعاد رفتاری، این استلزامات را عملی سازد. از یک سو، در قبال بازیگران مسلمان روابط بین الملل لازم است به دنبال

سیاست‌های هم‌گرایانه و وحدت عملی در قالب حمایت از یکدیگر به‌منظور ارتقای قدرت و اقتدار این جریان در عرصه روابط بین‌الملل باشد و از سویی دیگر، در قبال بازیگران غیرمسلمان، به‌منظور صیانت از مرزهای جغرافیایی و اعتقادی خود و نیز حفظ اقتدار در برابر این جریان در عرصه روابط بین‌الملل، با بهره‌گیری از ظرفیت‌هایی؛ همچون تولی و تبری، مرزهای ایمان و کفر در عرصه عمل، به‌طور دقیق از یکدیگر متمایز گردند؛ با تلاش در رفع وابستگی یک‌جانبه، از استقلال کشورهای اسلامی صیانت شود؛ با افزایش قدرت همه‌جانبه در تمام ابعاد مادی و معنوی، در برابر جریان مذکور، امکان قدرت‌نمایی برای کشورهای اسلامی بیش از پیش فراهم شود و این به دست نخواهد آمد جز با صلابت و پایداری و عدم‌سستی و خودباختگی در برابر زیاده‌خواهی‌های جریان سلطه. همچنین جمهوری اسلامی با توجه به اینکه جریان طاغوت در عرصه روابط بین‌الملل همواره در پی قدرت‌طلبی و کاهش اقتدار جریان ضدسلطه است، با حفظ هوشیاری در برابر فریب‌کاری جریان طاغوتی و نیز شناسایی موقعیت‌ها به‌منظور بهره‌گیری از آنها در زمان مناسب خود، می‌تواند مسلمین را در موضع اقتدار و عزت قرار دهد.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله. (بی تا). شرح نهج البلاغه (محقق: محمدابوالفضل ابراهیم) بی جا. دار احیاء الکتب العربیه.
۲. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین. (۱۴۰۵ق). عوالی اللثالی الغزیزیه فی الأحادیث الدینیه (محقق و مصحح: مجتبی عراقی، چاپ اول). قم: دارسید الشهدا للنشر.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه (محقق و مصحح: علی اکبر غفاری، چاپ دوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴. بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم. (۱۴۰۵ق). الحدائق الناضره فی أحكام العتره الطاهره (محقق: محمدتقی ایروانی و سید عبدالرزاق مقرر، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵. برقی، احمد بن محمد بن خالد. (۱۳۷۱ق). المحاسن (محقق: جلال الدین محدث). قم: دارالکتب الإسلامیه.
۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۳۷۳). غررالحکم و درر الکلم، شرح: جمال الدین محمد خوانساری (مقدمه و مصحح و تعلیق: میر جلال الدین حسینی ارموی). تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه (چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۸. حکیم، سید محسن. (۱۴۱۰ق). منهاج الصالحین (چاپ اول). بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۹. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر. (۱۴۱۹ق). نهاية الاحکام فی معرفة الأحکام (چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۰. حلّی، محمد بن منصور بن احمد ابن ادریس. (۱۴۱۰ق). السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی (چاپ دوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۱. حلّی، نجم الدین جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ق)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام (محقق: عبدالحسین محمدعلی بقال، چاپ دوم). قم: مؤسسه اسماعیلیان.

۱۲. الحلی، یحیی بن سعید. (۱۴۰۵ق). الجامع للشرایع (محقق: لجنه التحقیق یاشراف الشیخ السبجانی) قم: مؤسسه سیدالشهداء علیه السلام.
۱۳. حمیری، ابن هشام. (بی تا). السیره النبویه. بیروت: دارالمعرفه.
۱۴. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۹/۴/۱۹). بیانات رهبر انقلاب در بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://b2n.ir/j75544>
۱۵. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۸/۱/۲۵). بیانات رهبر انقلاب در بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و پرسنل ارتش. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://b2n.ir/s98142>
۱۶. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۲/۶/۲۶). بیانات رهبر انقلاب در بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://b2n.ir/241157>
۱۷. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۲/۸/۲۹). بیانات رهبر انقلاب در بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://b2n.ir/z90943>
۱۸. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۷/۵/۹). بیانات رهبر انقلاب در بیانات در دیدار مسئولان نظام به مناسبت مبعث حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله و سلم. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://b2n.ir/x57605>
۱۹. خمینی، سیدروح‌الله. (بی تا). تحریر الوسیله. قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
۲۰. خوبی، سیدابوالقاسم. (۱۴۱۰ق). منهاج الصالحین (چاپ بیست و هشتم). قم: نشر مدینه العلم.
۲۱. ضیائی بیگدلی، محمدرضا. (۱۳۶۶). اسلام و حقوق بین الملل (چاپ دوم). تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۲. طبرسی، علی بن حسن. (۱۳۸۵ق). مشکاه الأنوار فی غرر الأخبار (چاپ دوم). نجف: المكتبه الحیدریه.
۲۳. الطریقی، عبدالله بن ابراهیم بن علی. (۱۴۱۴ق). الاستعانه بغير المسلمين فی الفقه الاسلامی (چاپ دوم). عربستان سعودی: موسسه الرساله.

۲۴. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. (۱۴۱۱ق). مصباح المتهجد (چاپ اول). بیروت: مؤسسه فقه الشیعه.
۲۵. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸)، تهران: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
۲۶. القمی، المیرزا ابوالقاسم. (۱۴۱۷ق). غنائم الأيام فی مسائل الحلال والحرام (محقق: عباس تبریزیان، چاپ اول). بی‌جا: مکتب الاعلام الاسلامی.
۲۷. الکتانی، محمد عبدالحی. (بی‌تا). نظام الحکومه النبویه المسمی التراتیب الاداریه، بیروت: شرکه دارالأرقم بن ابی‌الأرقم.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (محقق: علی‌اکبر غفاری، چاپ اول). تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۲۹. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار (چاپ دوم). بیروت: دارالإحیاء التراث العربی.
۳۰. مغربی ابن حیون، نعمان بن محمد. (۱۳۸۵ق). دعائم الإسلام (محقق: آصف فیضی، چاپ دوم). قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
۳۱. نراقی، محمد مهدی. (۱۴۱۵ق)، مستند الشیعه فی أحكام الشریعه (چاپ اول). قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.

References

* The Holy Quran.

1. Al-Heli, Y. (1405 AH). *Al-Jame le al-Shara'e*. (Ie Jannah al-Tahqiq be Ishraf al-Shaik Al-Subhani). Qom: Sayyid al-Shuhada Institute. [In Arabic]
2. Al-Katani, M. (n.d.). *Nizam al-Hukumah Al-Nabawiyyah al-Masami al-Tratib al-Adariyyah*, Beirut: Shirk Dar al-Arqam bin Abi al-Arqam.
3. Al-Qomi, A. (1417 AH). *Qana'im al-Ayam fi Masa'il al-Halal va al-Haram*. (A. Tabrizian, Ed.). (1st ed.). Maktab al-A'alam al-Islami. [In Arabic]
4. Al-Tariqi, A. (1414 AH). *al-Isti'annah be Qair al-Muslimin fi al-Fiqh al-Islami*. (2nd ed.). Saudi Arabia: al-Risalah Institute. [In Arabic]
5. Bahrani, Y. (1405 AH). *al-Hada'eq al-Nazirah fi Ahkam al-Itrat al-Tahirah*. (M. T. Irwani., & S. A. Razzaq Muqarramah, Ed.). (1st ed.). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Association. [In Arabic]
6. Barqi, A. (1371 AH). *Al-Mahasin*. (J. Mohadeth, Ed.). Qom: Dar al-Kotob al-Islamiyah. [In Arabic]
7. Constitution of the Islamic Republic of Iran (1388 AP), Tehran: Representation of the Supreme Leader in Universities. [In Persian]
8. Hakim, S. M. (1410 AH). *Minhaj Al-Saleheen*. (1st ed.). Beirut: Dar Al-Ta'arof le al-Matbu'at. [In Arabic]
9. Hamiri, I. (n.d.). *al-Sirah al-Nabawiyyah*. Beirut: Dar al-Ma'rifah.
10. Helli, H. (1419 AH). *Nahayat al-Ahkam fi Ma'arifat al-Ahkam*. (1st ed.). Qom: Alulbayt Institute. [In Arabic]
11. Helli, M. (1410 AH). *al-Sara'er al-Hawi le Tahrir al-Fatawa*. (2nd ed.). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Association. [In Arabic]
12. Helli, N. (1408 AH), *Shara'e al-Islam fi Masa'el al-Halal va al-Haram*. (A. M. A. Baqala, Ed.). (2nd ed.). Qom: Ismailian Institute. [In Arabic]
13. Hor Ameli, M. (1409 AH). *Wasa'il al-Shia*. (1st ed.). Qom: Alulbayt Institute. [In Arabic]

14. Ibn Abi Al-Hadid, A. (n.d.). *Explanation of Nahj al-Balaghah*. (M. A. Ibrahim, Ed.) Dar Al-Ihya al-Kotob al-Arabiyah.
15. Ibn Abi Jumhur, M. (1405 AH). *Awali al-Laali al-Aziziyya fi al-Ahadith al-Diniyah*. (M. al-Iraqi, Ed.). (1st ed.). Qom: Dar Sayyid al-Shohada le al-Nashr. [In Arabic]
16. Ibn Babawiyah, M. (1413 AH). *Man la Yahzar al-Faqih*. (A. A. Ghaffari, Ed.). (2nd ed.). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Association. [In Arabic]
17. Khamenei, S. A. (19/4/1379 AP). Statements of the Supreme Leader of the Revolution in the speeches of the officials and agents of the Islamic Republic of Iran. from: The information Website of the Office for the Preservation and Publication of Ayatollah Khamenei's Works. <https://b2n.ir/j75544>. [In Persian]
18. Khamenei, S. A. (25/1/1378 AP). Statements of the Supreme Leader of the Revolution in speeches in a group meeting of army commanders and personnel. from: The information Website of the Office for the Preservation and Publication of Ayatollah Khamenei's Works. <https://b2n.ir/s98142>. [In Persian]
19. Khamenei, S. A. (26/6/1392). Statements of the Supreme Leader of the Revolution in the speeches of the commanders of the Revolutionary Guards. from: Information Website of the Office for the Preservation and Publication of Ayatollah Khamenei's Works. <https://b2n.ir/241157>. [In Persian]
20. Khamenei, S. A. (29/8/1392 AP). Statements of the Supreme Leader of the Revolution in the speeches of 50,000 Basij commanders across the country. From: Information Website of the Office for the Preservation and Publication of Ayatollah Khamenei's Works. <https://b2n.ir/z90943>. [In Persian]
21. Khamenei, S. A. (9/5/1387 AP). Statements of the Leader of the Revolution in the speeches in the meeting of the officials of the system on the occasion of the resurrection of the Holy Prophet ﷺ. Taken from: The information base of the Office for the Preservation and Publication of Ayatollah Khamenei's Works. <https://b2n.ir/x57605>. [In Persian]

22. Khoei, S. A. (1410 AH). *Minhaj Al-Saleheen*. (28th ed.). Qom: Madinah Al-Ilm Publications. [In Arabic]
23. Khomeini, S. R. (n.d.). *Tahrir al-Wasilah*. Qom: Dar Al-Ilm Press Institute.
24. Koleyni, M. (1407 AH). *Al-Kafi*. (A. A. Ghaffari, Ed.). (1st ed.). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah. [In Arabic]
25. Maghribi Ibn Hayoun, N. (1385 AH). *Duaim al-Islam*. (A. Feizi, Ed.). (2nd ed.). Qom: Alulbayt Institute. [In Arabic]
26. Majlesi, M. B. (1403 AH). *Bihar al-Anwar*. (2nd ed.). Beirut: Dar Al-Ihya' Al-Torath Al-Arabi. [In Arabic]
27. Naraq, M. M. (1415 AH), *Musnad al-Shia fi Ahkam al-Shariah*. (1st ed.). Qom: Alulbayt Institute. [In Arabic]
28. Tabarsi, A. (1385 AH). *Mishkah Al-Anwar Fi Ghorar Al-Akhbar*. (2nd ed.). Najaf: Al-Maktabah Al-Haydariyeh. [In Arabic]
29. Tamimi Amadi, A. (1373 AP). *Ghorar al-Hakam wa Dorar al-Kalem*, Commentary: J. M. Khansari (M. Hosseini Armavi, Ed.). Tehran: Institute of Printing and Publishing, University of Tehran. [In Persian]
30. Tusi, A. (1411 AH). *Mesbah Al-Muttahijid*. (1st ed.). Beirut: Institute of Shiite Jurisprudence. [In Arabic]
31. Ziaei Bigdeli, M. R. (1366 AP). *Islam and International Law*. (2nd ed.). Tehran: Intishar Company. [In Persian]